

# میخواهم امیدوار باشم!

## فیاض زاهد

در هفته گذشته شاهد اتفاق نادری در کشور بودیم. از این جهت می‌گویم نادر، چون رییس دانشگاه تهران برکنار و جای خود را به دکتر محمد مقیمی داد. با نگاهی گذرا به سوابق علمی این دو شخصیت؛ این پرسش مطرح می‌شود که ملاک این انتخاب چه می‌تواند باشد؟ بدیهی است با تغییر دولتها بسیاری از مقامات علمی برکنار و جابه‌جا می‌شوند. این امر مرسوم اما غلطی است. نمی‌توان ایراد را تنها متوجه دولت جناب ریسی دانست، چون اصلاح‌طلبها و دولت تدبیر و امید هم چنین کردند. این سنت نابجا پس از پیروزی انقلاب اسلامی به يك رویه تبدیل شده است. پس از طی شدن دوران «مستی توده‌ها»، تعبیری که لنین درباره رفتارهای مردم روسیه در فردای انقلاب اکتبر بر آن نهاد، انتظار آن بود که مدیران ارشد و تخصص محور با تکیه بر دانش و تحصیلات بالا انتخاب شوند. چنین هم شد. به تدریج نیروهای انقلاب تحصیل کردند و با کسب تجربه و سابقه مدیریتی، به جایی رسیدند که کمتر شاهد انتخاب‌های هیجانی در پست‌های تخصصی و علمی بودیم. اما این رویه با استقرار دولت احمدی‌نژاد متوقف شد. او انقلابی در انقلاب به راه انداخت و تمام ظرفیت علمی و مدیریتی کشور را به چالش کشید. به نام گردش نخبگانی، سید مدیریت کشور را تهدید و با گماردن مدیرانی که یا بی‌تجربه، یا کم دانش بودند، زمینه بسیاری از پلشتی‌های اخلاقی، مدیریتی و مالی را رقم زد. در دولت روحانی این رویه تا حد زیادی ترمیم شد. اما اینک این خطر وجود دارد که دوباره کشور در میانه هیاهوی استقرار دولت جدید روش‌هایی را به خود ببیند که آسیب‌های ماندگاری با خود داشته باشد. به نمونه دانشگاه تهران بنگرید. همان‌گونه که عرض شد، تغییر دکتر نیلی گزینه احتمالی بود، اما چرا دقیقا پس از نامه‌نگاری درباره يك دانشجوی زندانی باید این اتفاق رخ می‌داد؟ در سرمقاله «پنجره‌ها...» که در شماره پیشین این ستون به چاپ رسید، از اقدامات جناب اژه‌ای تقدیر شد. همانجا البته گفتم، باید مراقب غضنفرها باشند! این همان گریزگاه تاریخی است و نقطه عطف عملکرد قوه قضاییه. افکار عمومی از خود می‌پرسد، چرا باید تلاش شرافتمندانه يك رییس دانشگاه برای نجات دانشجوی خود از زندان (حتی اگر خلافي مرتکب شده و سزایش را هم دیده) باید با چنین برخوردی مواجه شود؟ هر چند می‌دانیم که

تعویض رییس دانشگاه هیچ ربطی به دستگاه قضایی ندارد. اما در داستان دیگری چون موضوع مرگ شاهین ناصری، جناب اژه‌ای می‌تواند و باید شخصا ورود کند و موضوع را بررسی کرده و با مردم در میان بگذارد. اگر چند نمونه از این بررسی‌ها صادقانه با مردم در میان نهاده شود، آقای اژه‌ای به هدف خود رسیده است. به بحث دانشگاه تهران باز گردیم. مثلا جناب دکتر نیلی می‌توانست يك هفته قبل یا بعد از انتشار این نامه برکنار شود، نه فردای آن روز. اینها ارسال پیام‌های خطرناکی به جامعه است و زیانبار. اما نکته بعدی مساله جانشین ایشان است. من خود فارغ‌التحصیل دانشگاه تهران هستم و مانند بسیاری به خود حق می‌دهم که درباره سرنوشت دانشگاه حساس باشم.

آخر با چه متر و معیاری رییس جدید انتخاب شده است؟ به مقالات نوشته شده ایشان بنگرید. من شرم دارم به عنوان يك استاد دانشگاه آنها را به عنوان يك کار علمی و تحقیقاتی اینجا ذکر کنم. آن نوشته‌ها در جای خود باارزش است و می‌تواند در مجلات و جراید چاپ شود، اما با هیچ متر و معیاری نمونه يك کار آکادمیک نیستند. جناب آقای دکتر ریسی نیک می‌دانند که در بین نیروهای اصولگرا چهره‌های علمی و برجسته و استاد تمام و معتبر کم نیستند. کسانی که نزد افکار عمومی هم وجاهت دارند. یا شخصیت‌های علمی هستند و هیچ گرایش سیاسی نیز ندارند. از قضا این شخصیت‌ها بهترین انتخاب‌ها برای محیط‌های علمی هستند. این چه اصراری است که همه مفاهیم را بی‌ارزش کنیم. مگر می‌توان به همین سهولت برای دانشگاه تهران چنین انتخاب‌هایی داشت؟ به اسامی روسای قبلی دانشگاه تهران در پیش از انقلاب و پس از آن نگاهی بیندازید. چرا می‌خواهیم مفاهیم و کلمات و فضیلت‌ها را به سخره بگیریم. استاد تمامی را که فارغ‌التحصیل صنعتی شریف و توکوهوی ژاپن را برکنار و به جایش فردی انتخاب می‌شود که حتی يك کار علمی معتبر در کارنامه‌اش نیست. معلوم است که ایشان هم برای همکاری باید معاونین و روسای دانشکده‌هایی به مراتب نازل‌تر از نظر علمی برای دانشگاه تهران انتخاب کند. بحث من اصلا از منظر انسانی نیست. شاید ایشان بهترین و باتقواترین و مقرب‌ترین باشد - هر چند تقوای واقعی باید سبب شود آدمی پستی را که برای آن مناسب نیست اشغال کند- اما لزوماً به معنای آن نیست که بتواند فرد مناسبی برای این سمت باشد. باید بین طرف و مطروف رابطه باشد. امیدوارم عملکرد این دولت در بخش‌های دیگر چنین نباشد، چون دانشگاه تهران ویتترین بزرگی است این انتخاب خود را نشان داده است. در دیگر بخش‌ها آنقدر حساسیت نیست که توجه افکار عمومی را به

خود جلب کند و من از خدای رحمان می‌خواهم که چنین نباشد. حداقل  
انتظار آن است که رئیس‌جمهور به این امور حساسیت ویژه‌ای از خود  
نشان دهد. حداقل من می‌خواهم امیدوار باشم!

شماره: ۰۲۱-۱۴۰۰ ۳۰۰۰۰۰۰۰